مصونیت قاضی زیر ذره‌بین: مسئولیت مدنی قاضی در پرتو اصل 171 قانون اساسی و چالش‌های حقوقی

زمان تقریبی مطالعه: 18 دقیقه

مقدمه

جایگاه والای قضاوت در نظام حقوقی، آن را به یکی از حساس‌ترین و خطیرترین مناصب تبدیل کرده است. اجرای عدالت، احقاق حق، و رفع خصومت، غایات اصلی قضا بوده و قاضی نه تنها به صدور حکم، بلکه به تحقق غرض حکم، یعنی استقرار عدل و داد، مأمور است. اما عواملی نظیر نقص قوانین، نابسامانی‌های اداری، تعدد مراجع تحقیقاتی، و کاستی در تحقیقات مقدماتی، احتمال وقوع خطا در آراء قضایی را افزایش می‌دهد؛ خطاهایی که می‌تواند منجر به ورود خسارت‌های مادی و معنوی جبران‌ناپذیر برای شهروندان گردد. از سوی دیگر، ماهیت پرخطر شغل قضا، لزوم مصونیت نسبی قضات را ایجاب می‌کند تا از اعمال فشار و نگرانی از دعاوی متعدد، که ممکن است ناشی از تصور اهمال یا خطا باشد، خلاصی یابند؛ چرا که در غیر این صورت، قاضی ناگزیر است بخشی از عمر خود را صرف دفاع از احکام خویش نماید.

با این وجود، مصونیت مطلق قضات نیز قابل پذیرش نیست، زیرا می‌تواند منجر به اهمال در وظیفه گردد، حتی زمانی که دولت مسئولیت جبران ضرر را بر عهده می‌گیرد. قوانین و مقررات نظام‌های حقوقی گوناگون، از جمله جمهوری اسلامی ایران، در پی یافتن تعادلی میان حمایت از قاضی و تضمین حقوق شهروندان، نظامی خاص را تقریر کرده‌اند که هم حمایت لازم را از قاضی به عمل می‌آورد و هم «**مسئولیت مدنی قاضی**» را در چارچوب ضوابط مقرر می‌دارد.

اصل 171 قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، که با الهام از متون روایی، به مسئولیت شخصی قضات در صورت تقصیر تصریح کرده است، در این زمینه نقش کلیدی ایفا می‌کند. این اصل در قوانین عادی، مانند ماده 58 قانون مجازات اسلامی، نیز بازتاب یافته است. این نوشتار، در دو مبحث، به بررسی مفهوم «قاضی» و «حکم» در اصل 171 قانون اساسی و همچنین مفهوم «تقصیر» به عنوان رکن اصلی مسئولیت مدنی قاضی می‌پردازد.

مبحث اول: مفهوم قاضی و حکم در اصل 171 قانون اساسی

الف. قضا (Jurisdiction)

1. مفهوم لغوی: واژه «قضا» در زبان عربی از فعل «قضی یقضی» مشتق شده و در کتب لغت، معانی متعددی چون اظهار، اعلام، و قتل را شامل می‌شود. با این حال، معنای اصلی و حقیقی آن «حکم» است و سایر معانی، یا

مطالب حقوقی بیشتر در: https://irlawyers.ir/ --- الکترونیک، کامپیوتر، بورس و غیره در: https://229-415.ir/

لوازم حکم هستند و یا معنای مجازی آن. واژه لاتینیJurisdiction، که معادل «قضا» تلقی می‌گردد، جامع‌تر و بلیغ‌تر بوده و متضمن معنای «احقاق العدالة» (برقراری عدالت) است. این واژه از ترکیب juris (حق) و diction (گفتار/بیان) شکل گرفته و به معنای «اظهار حق» یا «بیان حقیقت» است. لذا معادل عربی آن، «القضا بالحق» یا «القضاء بالعدل» خواهد بود.

2. مفهوم اصطلاحی: در اصطلاح فقهی، قضا غالباً به معنای «حکم کردن میان مردم و فصل خصومت» تفسیر شده است. شهید ثانی، قضا را «حکم کردن میان مردم و فصل خصومت بین آنها و اثبات ادعای مدعی و یا حکم به محکومیت مدعی علیه» تعریف کرده است. صاحب عروة الوثقی نیز آن را «حکم بین مردم در هنگام تنازع و مشاجره و رفع خصومت و فصل منازعه» می‌داند. بر اساس آیه شریف «یا داود انا جعلنک خلیفة فی الارض فاحکم بین الناس» (ص: 26)، قضا به معنای حکم صادر شده از سوی منصوب خدا، پیامبر (ص) یا امام معصوم (ع) است. به همین جهت، در حقوق اسلامی، قاضی «حاکم» نامیده می‌شود. آیه «و اذا حکمتم بین الناس ان تحکموا بالعدل» (نساء: 58) نیز مؤید این مفهوم است.

ب. مفهوم قاضی

یکی از پرسش‌های اساسی در تفسیر اصل 171 قانون اساسی و ماده 58 قانون مجازات اسلامی، تعیین مصداق واژه‌ی «قاضی» است: آیا منظور صرفاً قضات محاکم است یا شامل قضات دادسرا نیز می‌گردد؟ در این خصوص دو دیدگاه اصلی مطرح است:

ب-1. قاضی به معنای دادرس (مفهوم محدود)

این دیدگاه، قاضی را صرفاً کسی می‌داند که در مقام فصل خصومت و صدور حکم قرار دارد. استدلال این گروه عبارت است از:

مبانی روایی و فقهی: اصل 171 و ماده 58 ق.م.ا. از روایات و فتوای مشهور فقها مستند شده‌اند که ملاک خطا را بر «حاکم» (قاضی فصل خصومت) قرار داده‌اند. از آنجایی که قضات دادسرا وظیفه فصل خصومت را ندارند، این واژه انصراف به قضات دادگاه‌ها دارد. ضمن اینکه در زمان صدور روایات، نهادی به نام دادسرا وجود نداشته است.
قواعد حقوقی مسئولیت مدنی: مصونیت قضایی، امری استثنایی و خلاف قاعده است. در موارد شک، باید به قدر متیقن عمل کرد که در اینجا، قضات دادگاه‌ها مصداق قدر متیقن هستند.
ماهیت دادسرا: دادسرا خود را متقاضی و وکیل جامعه معرفی می‌کند و در امور جزایی، طرف اصلی دعوی است، نه قاضی. لذا تصمیمات آن، چون طلب کیفر، ماهیت قضایی به معنای فصل خصومت ندارد.

مطالب حقوقی بیشتر در: https://irlawyers.ir/ --- الکترونیک، کامپیوتر، بورس و غیره در: https://229-415.ir/

ب-2. قاضی به مفهوم تصمیم‌گیرندگان امور قضایی (مفهوم عام)

این دیدگاه، واژه‌ی «قاضی» را دارای مفهومی عام دانسته و شامل تمامی افرادی که به نحوی در فرآیند قضایی تصمیم‌گیری یا اجرا نقش دارند، می‌شمارد. مستندات این دیدگاه عبارتند از:

مشروح مذاکرات تدوین قانون اساسی: بررسی این مذاکرات نشان می‌دهد که مقصود قانون‌گذار، مفهوم عام بوده است، زیرا نمایندگان و رئیس مجلس بر شمول آن برای قضات تحقیق (بازپرسان) و کلیه‌ی افرادی که در امور قضایی مقصرند، تأکید داشته‌اند.
قوانین و مقررات جاری: برخی مواد قانون مجازات اسلامی و سایر قوانین، از قضات دادسرا و مستخدمین قضایی به عنوان «قضات» یا عناوین مشابه یاد و مسئولیت‌های شغلی و انتظامی مشابهی برای آنان قائل شده‌اند.

نتیجه‌گیری privind مفهوم قاضی: با وجود قوت مبانی تئوریک دیدگاه محدود، دیدگاه عام با واقعیتهای عملی سازگارتر است. لذا «قاضی» در اصل 171 به کلیه‌ی افرادی اطلاق می‌شود که در سلسله مراتب دادگاه‌ها، دادسراها، دادگاه انقلاب، دادگاه نظامی، دادگاه ویژه‌ی روحانیت، دادستان‌ها، معاونان ایشان، بازپرسان، دادیاران، و حتی رئیس اجرای احکام (به عنوان قاضی دارای پایه قضایی) اشتغال دارند.

ج. حکم

پرسش دیگر، تعیین معنای «حکم» در اصل 171 قانون اساسی است. آیا صرفاً مربوط به تصمیمات ماهوی فصل خصومت است، یا شامل کلیه‌ی تصمیمات و اقدامات قضایی در جریان دادرسی و تحقیقات نیز می‌شود؟

اگر «حکم» صرفاً به معنای تصمیم نهایی در مورد ماهیت دعوی تلقی شود، نتایج غیرمنطقی و خلاف اهداف اصل 171 حاصل خواهد شد. برای مثال، در فرض صدور قرار بازداشت موقت توسط بازپرس و سپس ادامه‌ی بازداشت به دستور دادگاه، اگر در نهایت حکم برائت صادر شود، صرفاً ضرر ناشی از دوره پس از صدور حکم دادگاه قابل مطالبه خواهد بود، حال آنکه ضرر ناشی از اقدامات بازپرس (چه تقصیر چه اشتباه)، مغفول می‌ماند. لذا، منظور از «حکم» در اصل 171، کلیه‌ی تصمیمات و اقدامات قضایی است که از سوی مقامات دادگاه یا دادسرا، به اعتبار سمت قضایی آنان، علیه جان، مال، یا آزادی اشخاص اتخاذ شده و منجر به ورود ضرر مادی یا معنوی گردد.

د. مطالعات تطبیقی

1. فرانسه: دادسرا در حقوق فرانسه سابقه‌ای طولانی دارد و ابتدا وظیفه دفاع از منافع مالی دربار را بر عهده داشت و بعدها وظایف آن در دفاع از نظم عمومی و جامعه گسترش یافت. در نظام حقوقی فرانسه، «Magistrat»

مطالب حقوقی بیشتر در: https://irlawyers.ir/ --- الکترونیک، کامپیوتر، بورس و غیره در: https://229-415.ir/

(قاضی) به کلیه‌ی مقامات قضایی اطلاق می‌شود، خواه در محاکم عالی باشند یا قضات دادسرا (Magistrature Debout). اصل عدم مسئولیت بر اعمال قضات دادسرا حاکم است، مگر در موارد سوء نیت، تقلب، یا تقصیر سنگین که با دادرسی خاص، مسئولیت مدنی آنها قابل طرح است.

2. مصر: در حقوق مصر، اعضای دادسرا در قبال خطاهای حین اعمال اتهام یا تحقیق، مسئولیت جنایی یا مدنی ندارند تا بتوانند با احتیاط وظیفه خود را انجام دهند. اما در صورت اثبات غش، تدلیس، غدر، یا خطای سنگین شغلی، مسئولیت مدنی آنها طبق قانون مسئولیت پذیرفته شده است.

مبحث دوم: تقصیر، رکن اصلی مسئولیت مدنی تصمیم‌گیرندگان قضایی

تحقق «**مسئولیت مدنی قاضی**»، مستلزم وجود سه عنصر بنیادین در حقوق ایران است: تقصیر، ضرر، و رابطه‌ی سببیت. اثبات تقصیر به تنهایی کافی نیست؛ زیان‌دیده باید ضرر وارده و رابطه‌ی علیّت میان تقصیر قاضی و ضرر را نیز اثبات کند.

الف. تقصیر

1. مفهوم لغوی: «تقصیر» به معنای سستی کردن، کوتاهی کردن، غفلت، سهو، و خطا در انجام وظیفه است.

2. مفهوم اصطلاحی: در حقوق ایران، تقصیر شامل «تعدی» (تجاوز از حدود اذن یا متعارف) و «تفریط» (ترک عملی که برای حفظ مال یا حق لازم است) می‌باشد (مواد 951 و 952 قانون مدنی). همچنین قانون مجازات اسلامی، تقصیر را در مقابل «مسامحه» (سهل‌انگاری) قرار داده و در مواردی، آن را مترادف «عمد» به کار برده است.

3. تفسیر تقصیر در اصل 171 قانون اساسی: در خصوص معنای «تقصیر» در این اصل، نظرات متفاوتی وجود دارد:

تقصیر به معنای عمد: برخی معتقدند تقصیر در این اصل مترادف «عمد» است. این تفسیر، با هدف حمایت از قاضی و کاهش دعاوی علیه وی، موجب می‌شود اثبات تقصیر (قصد اضرار) دشوار شود. این نظر با مفهوم لغوی تقصیر و همچنین قانون مجازات (تفکیک عمد از مسامحه) و قانون رسیدگی به تخلفات اداری (تفکیک تقصیر از قصور) در تضاد است.
تقصیر به معنای اعم (شامل اشتباه): دیدگاه دیگر، تقصیر اعم از عمد و غیرعمد (خطا) می‌داند. این تفسیر، با روح اصل 171 که ناظر به جبران ضرر زیان‌دیده است، سازگارتر است. در این صورت، «اشتباه»

مطالب حقوقی بیشتر در: https://irlawyers.ir/ --- الکترونیک، کامپیوتر، بورس و غیره در: https://229-415.ir/

نیز نوعی تقصیر تلقی شده و در موارد خاص، مسئولیت متوجه دولت خواهد بود.

4. تقصیر شغلی: با توجه به ماهیت حساس شغل قضا، باید «تقصیر شغلی» را مد نظر قرار داد؛ یعنی خطایی که قاضی در انجام وظایف حرفه‌ای خود مرتکب می‌شود. این خطا، ناشی از نقض اصول و قواعد فنی و متعارف شغل قضاوت است.

ب. گونه‌های تقصیر (غیرعمدی)

طبق قوانین ایران، تقصیر غیرعمدی شامل موارد زیر است که در تخطی قاضی نیز ممکن است مصداق یابد:

بی‌احتیاطی (Recklessness Imprudence): انجام عملی که نتایج زیانبار آن قابل پیش‌بینی است، بدون توجه به عواقب آن.
بی‌مبالاتی: کوتاهی و سهل‌انگاری در انجام وظایف قانونی یا عرفی.
عدم مهارت (Mal Adress): فقدان دانش، تخصص، یا تجربه لازم برای انجام امری که فرد به آن اقدام می‌کند.
اهمال (carelessness) و مسامحه (De Fauz): عدم رعایت احتیاط‌های لازم در اوضاع و احوال خاص و سهل‌انگاری در انجام وظایف؛ که می‌تواند منجر به انقصای شغل یا مسئولیت دولت شود.

نکته حقوقی: در مواردی که قاضی به سبب جهالت یا عدم احاطه بر قوانین و مقررات، مرتکب اشتباه شود، اگر این اشتباه ناشی از سهو و مسامحه باشد، علاوه بر مسئولیت مدنی، ممکن است مسئولیت انتظامی نیز متوجه وی گردد.

ج. معیار تقصیر شغلی

تعیین معیار تقصیر شغلی، با توجه به ماهیت تخصصی شغل قضا، پیچیدگی‌های خاص خود را دارد. دو رویکرد اصلی در این زمینه مطرح است:

معیار شخصی (واقعی): در این رویکرد، رفتار فرد خطاکار با لحاظ کردن شرایط روحی، جسمی، و آگاهی‌های شخصی وی مورد سنجش قرار می‌گیرد. این معیار، اگرچه در برخی نظام‌های حقوقی پذیرفته شده، اما در عمل، ارزیابی آن برای قضات دشوار و مبهم است و ممکن است موجب مسئولیت کمتر افراد دقیق شود.
معیار نوعی (مجرد/عینی): این رویکرد، رفتار قاضی را با رفتار یک «قاضی متعارف» در همان شرایط و

مطالب حقوقی بیشتر در: https://irlawyers.ir/ --- الکترونیک، کامپیوتر، بورس و غیره در: https://229-415.ir/

با همان سطح علمی و تجربی مقایسه می‌کند. این معیار، که مورد پذیرش غالب حقوقدانان است، عینی و قابل اجرا بوده و مبنای اصلی ارزیابی تقصیر قضایی قرار می‌گیرد. در این چارچوب، مقایسه با رفتار یک قاضی نمونه و آگاه، راهگشاست.

ضوابط تشخیص تقصیر شغلی:

قضاوت عرفی: در مواردی مانند بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی، عرف معیار اصلی تشخیص تقصیر است.
نظر کارشناس: در خصوص عدم مهارت، نظر کارشناسان در تعیین سطح مهارت لازم و میزان تقصیر دخیل است.
رعایت نظامات دولتی: عدم رعایت قوانین، آیین‌نامه‌ها، و دستورالعمل‌های اداری، موجب احراز تقصیر است.
ترک فعل (تفریط): عدم انجام وظایف قانونی، نیز به همانند فعل مثبت، با معیار عرفی مورد سنجش قرار می‌گیرد.

نتیجه‌گیری

اتفاق نظر عمده دکترین و رویه قضایی بر این است که «تقصیر» در مفهوم اصل 171 قانون اساسی، صرفاً در معنای قانون مدنی (که گاه آن را مترادف عمد می‌داند) نیست. هرچند برخی تقصیر را مترادف عمد برای قاضی دانسته‌اند، اما این تفسیر با غرض قانون‌گذار و هدف حمایت از زیان‌دیده سازگار نیست.

دیدگاه اولویت‌دار، تقصیر را در معنای عام‌تر «تخطی از وظایف شغلی» و «نقض استانداردهای متعارف قضایی» می‌داند که شامل انواع خطاهای غیرعمدی (اشتباه، بی‌احتیاطی، بی‌مبالاتی، عدم مهارت، اهمال) نیز می‌شود.

در خصوص واژه‌ی «قاضی»، با توجه به مشروح مذاکرات و واقعیات رویه قضایی، شامل کلیه‌ی مقامات قضایی (اعم از قضات دادگاه‌ها و دادسراها) می‌شود. همچنین «حکم» نیز به کلیه‌ی تصمیمات و اقدامات قضایی که موجب ورود ضرر می‌گردند، اطلاق می‌شود.

در نهایت، در حالی که قاضی در صورت ارتکاب تقصیر، مسئولیت شخصی دارد، برخی از گونه‌های تقصیر (مانند اشتباه پیش‌بینی‌نشده در موارد شبه‌عمد) ممکن است منجر به مسئولیت دولت (جبران آن از بیت‌المال) شود. این تمایز، حفظ مصالح عمومی، حمایت از قاضی، و تضمین حقوق زیان‌دیدگان را به طور توأمان مد نظر قرار می‌دهد.

مطالب حقوقی بیشتر در: https://irlawyers.ir/ --- الکترونیک، کامپیوتر، بورس و غیره در: https://229-415.ir/